

---

## زنان روستایی منطقه قاسم آباد گیلان؛ پژوهشی مردم‌شناختی

---

محدثه محب‌حسینی



پژوهشی که از نظر خواهد گذشت، حاصل مطالعه‌ای موردی است که در منطقه قاسم آباد گیلان صورت پذیرفته است. یافته‌های مورد استفاده این پژوهش براساس روش مردم‌نگاری (یکی از روش‌های مردم‌شناسی) و با استفاده از تکنیک‌های مشاهده (مستقیم یا غیرمستقیم)، مصاحبه اسناد و مدارک، و مراجعه مداوم به روستاهای منطقه در تمامی فصول سال (بهار، تابستان، پاییز، زمستان) جمع‌آوری شده است.

از دیدگاه مردم‌شناسی، مطالعه و بررسی پدیده‌های اجتماعی - فرهنگی مربوط به گروه‌های انسانی ساکن در محدوده‌ای خاص، بدون حضور و مشارکت در زندگی اجتماعی آنها امکان‌پذیر نیست. بر این اساس است که ارائه هر تحلیلی با تکیه بر واقعیتها و داده‌هایی که از «زمین تحقیق» استنتاج می‌شود، صورت می‌گیرد. بدانسان که پژوهشگر باید در جامعه مورد پژوهش نفوذ و، مطابق با شیوه زیست آنها

زندگی کند و خود را در جریان پدیده‌های اجتماعی - اقتصادی آن قرار دهد تا بتواند ابعاد مختلف زندگی انسانی آن را بشناسد. در واقع، فقط با ژرف‌نگری عمیق و همه‌جانبه کلیه عناصر تشکیل دهنده زندگی اجتماعی آنان اعم از معیشت، فرهنگ، اقتصاد و... می‌توان به شناخت ویژگیهای مورد پژوهش دست یافت.

نکته دیگر اینکه هر مطالعه‌ای که در خصوص این‌گونه جوامع صورت می‌پذیرد، باید کلیه اجزای تشکیل دهنده زندگی اجتماعی مردم منطقه را با توجه به شرایط و اوضاع و احوال اقلیمی آن نگریست. زیرا روشهای معیشتی و ساختارهای اقتصادی - اجتماعی با ویژگیهای زیست‌محیطی پیوندی استوار دارند. از این رو، هدف اصلی، انجام تحقیقی جامع در کلیه زمینه‌های زندگی اجتماعی و فعالیتهای مردم در منطقه‌ای خاص بوده است. از آنجا که در جوامع روستایی زنان فعالیتهای بسیاری را در درون نظام اجتماعی انجام می‌دهند و تاثیر بارزی در بازده اقتصادی و حفظ هویت فرهنگی جامعه دارند - و نیز مطالعات مربوط به این‌گونه جوامع متأسفانه فاقد توصیف و تحلیل دقیق نقش زنان است - انجام پژوهشی دقیق در مورد فعالیتهای آنان در این جوامع حائز اهمیت ویژه‌ای است. هدف اصلی ما در این پژوهش شناخت مشارکتهای و فعالیتهای زنان در امور خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی این منطقه است. امید است که این مختصر بتواند گوشه‌ای از زندگی و فعالیتهای اقتصادی - اجتماعی زنان و نقش ویژه آنان را در کل فعالیتهای روستایی نشان دهد و زمینه‌ساز پژوهشهای بعدی در این زمینه باشد.

### شناخت منطقه مورد مطالعه

#### - شرایط زیست‌شناسی

محل مورد بررسی در این پژوهش، منطقه قاسم‌آباد استان گیلان است. قاسم‌آباد در ۲۰ کیلومتری جنوب خاوری شهرستان رودسر، در غرب چابکسر و شرق کلاچای بین ساحل دریای خزر و دامنه شمالی سلسله جبال البرز قرار گرفته است و متشکل از هشت آبادی است.

آب و هوای این منطقه معتدل و مرطوب و خاک آن جلگه‌ای و آبرفتی است. از نظر ریخت‌شناسی روستایی بافت مسکنهای قاسم‌آباد متراکم است و خانه‌ها در کنار جاده‌های اصلی منتهی به شهر یا راههای ارتباطی روستاها به یکدیگر و در مراکز روستاها قرار گرفته‌اند. مزارع کشاورزی و باغات چای در فاصله‌ای دورتر از فضاهاى مسکونی واقع شده است. این منطقه به دلیل برخورداری از ثروت‌های طبیعی و ویژگیهای زیست‌محیطی، مساعد، دارای شیوه‌های معیشتی متنوعی است. خاک حاصلخیز، باران فراوان، و فور سفره‌های زیرزمینی آب، وجود مراتع سرسبز و تنوع پوشش گیاهی مبین امکانات و ثروت‌های طبیعی قاسم‌آباد است. از طرف دیگر، این امکانات قیود ویژه‌ای را در انتخاب شیوه معیشت و فعالیتهای وابسته به آن ایجاد می‌کند.

تنوع زیست‌محیطی این منطقه که از وضعیت جغرافیایی آن باید گرفته است، منجر به پیدایش طیف فعالیتهای گوناگون تولیدی از قبیل کشاورزی، باغداری، دامداری، شکار، ماهیگیری، پرورش کرم ابریشم و زنبور عسل شده است. همچنین تحولات سریع و مداوم وضعیت اقلیمی منطقه توأم با تغییرات فصلی، باعث تغییر فعالیت مداوم افراد جامعه می‌شود. پرورش کرم ابریشم و نشای برنج در بهار، چیدن برگ چای از فروردین تا شهریور، چیدن مرکبات از آذر تا فروردین، کوچ و بردن دامها به بیلاق در بهار و تابستان همه مبتنی بر انجام فعالیتی متناسب با زمان خود است. بدیهی است، این دگرگونیهای اقلیمی بر بافت فرهنگی منطقه تاثیر گذاشته و مرزها و محدوده‌های تقسیم کار جنسی بین زن و مرد را از بین برده است. زیرا در این منطقه، آنچه که اصل است، فعالیت و تولید است. بنابراین می‌توان گفت فرهنگ این منطقه در تقسیم کار جنسی، از تولید و اقلیم تبعیت می‌کند و اوضاع زیست‌محیطی تعیین‌کننده فعالیت اعضای جامعه است.

#### - ویژگیهای انسانی:

- گروههای قومی: گروههای قومی را می‌توان متشکل از مجموعه افرادی دانست که دارای خصایص

مشترک نژادی، زبانی و مذهبی هستند. گروه‌های قومی قاسم‌آباد به دو دسته عمده؛ بومیان منطقه و مهاجرین تقسیم می‌شوند. بومیان منطقه نیز به دو گروه تفکیک می‌گردند: ۱ - گیلها (Gil) ۲ - گالشها (Gälës).

۱ - گیلها در منطقه سکونت دائم دارند و دارای زمین و باغ چای هستند و به این ترتیب معیشت خود را تامین می‌کنند. ۲ - گالشها: به چوپانان و دامداران منطقه در زبان محلی گالش گفته می‌شود. این گروه معمولاً صاحب زمین زراعتی نیستند و مواقعی از سال را در بیلاقات که به گفته اهالی ایشکورات (Eškevarât) گفته می‌شود، بسر می‌برند.

### نقش زنان روستایی: (۱)

نقش زنان مجموعه‌ای از فعالیتها و وظایف است و در دو سطح خرد و کلان ایفا می‌شود. در سطح کلان زنان به عنوان یک عضو از نظام اجتماعی و آموزش‌دهندگان الگوها و ارزشهای فرهنگی و اجتماعی به نسلهای آینده، به‌شمار می‌روند و در سطح خرد فعالیت زنان برحسب رابطه زیستی و خویشاوندی آنها در ساختار خانواده به‌عنوان همسر، مادر، خواهر دختر و یا یک عضو از نظام خویشاوندی به‌شکل نقشهای مادری، همسری و خانوادگی تجلی می‌یابد.

از طرف دیگر، درک نقش زنان در فرهنگهای گوناگون تنها هنگامی میسر است که در چارچوب مناسبات متقابل آنها با مردان در نظام خانواده و جامعه بدان نگریسته شود. از این دیدگاه، خانواده به منزله نهادی که شبکه‌ای از نقشها را سامان می‌بخشد و زن گرداننده و هماهنگ‌کننده آن است، دارای اهمیت خاصی در مطالعات مربوط به زنان است.

### سهم زنان روستایی در نیروی کار منطقه

در هر جامعه‌ای بخشی از نیروی کار و جمعیت فعال را زنان تشکیل می‌دهند ولی چون اکثر فعالیتهای

اقتصادی آنان به شکل غیررسمی صورت می‌پذیرد، نقش آنان به عنوان یکی از بخشهای نیروی کار کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، در حالی که آنان به منزله یکی از عوامل تولید به شمار می‌روند. علاوه بر این، سهم مضاعف زنان در نیروی کار و تولید اقتصادی، تجدید نیروی کار با به دنیا آوردن فرزندان و آماده ساختن آنها جهت مشارکت در تولید اقتصادی جوامع است.

قاسم‌آباد به منزله جامعه‌ای که دارای ساختار تولیدی متعددی است، نقش بسیار مهمی در تولید ناخالص منطقه ایفا می‌کند. در این جامعه خانواده واحد نظام تولید است و در این نظام زنان به عنوان محور و رابطه فعالیت‌های متعدد و متنوع تولیدی به شمار می‌روند. براساس آمارهای مربوط به میزان جمعیت در سال ۱۳۷۰ در قاسم‌آباد، زنان نزدیک به نیمی از جمعیت فعال روستا را به خود اختصاص داده‌اند. از کل ۸۷۲۴ نفر جمعیت قاسم‌آباد ۵۰٪ (در سنین فعالیت ۱۵ - ۶۴) قرار دارند. در بین گروه زنان (۴۲۲۸ نفر)، نیز حدود ۵۳ درصد در سنین فعالیت اقتصادی هستند. بنابراین از کل جمعیت فعال روستا ۲۲۴۹ نفر را زنان تشکیل می‌دهند که در حدود ۵۲ درصد از کل جمعیت فعال محسوب می‌شوند. نتیجه اینکه در قاسم‌آباد زنان نیمی از نیروی کار منطقه را تشکیل می‌دهند.

### نقش‌های خانوادگی:

نقش‌های خانوادگی عبارت از مجموعه فعالیتها و وظایفی است که توسط زنان برای حفظ ساختار خانواده و بقای آن انجام می‌شود. به بیانی دیگر، نقش‌های خانوادگی نقطه تلاقی کارکردهای فیزیولوژیکی فرهنگی و اجتماعی زنان است و شبکه‌ای پیوسته و همگن از کنش‌های فوق را تشکیل می‌دهند. به هر ترتیب نقش‌های خانوادگی زنان در دو بعد انعکاس می‌یابند؛ در سطح خانواده و در سطح جامعه. در سطح خانواده شامل نقش‌های مادری و همسری هستند و در سطح جامعه؛ تجدید حیات اجتماعی، تجدید حیات نسلی و انتقال ارزشها و الگوهای فرهنگی را دربر می‌گیرند.

قبل از توصیف نقش‌های خانوادگی زنان منطقه قاسم‌آباد لازم است اشاره‌ای به نوع خانواده در

قاسم‌آباد داشته باشیم. ویژگی بارز خانواده‌های قاسم‌آبادی مشارکت جمعی و همکاری متقابل اعضا در تامین معاش خانواده است در این جامعه مرد و زن سهم مساوی در اداره امور خانواده دارند. نوع خانواده در این منطقه تک همسری است و خانواده پدر مکان است. خانواده‌های قاسم‌آبادی به دو نوع کلی تقسیم می‌شوند:

۱ - خانواده گسترده: این نوع از خانواده، بومی منطقه بوده و دارای زمین زراعی و باغ چای است و شامل پدر، مادر، فرزندان و نوادگان می‌شود. کلیه اعضای این خانواده، در خانه‌های واحد سکونت دارند.

۲ - خانواده هسته‌ای: عبارت از خانواده‌ای است که شامل دو نسل (زن، شوهر و فرزندان) می‌شود و همه اعضا در خانه‌ای واحد سکونت دارند. خانواده‌های هسته‌ای قاسم‌آباد به چند نوع تقسیم می‌شوند:

۱ - ۲ - خانواده هسته‌ای با ملحقات: در این نوع از خانواده، افراد در محوطه‌ای واحد که متعلق به بزرگ خانواده است، زندگی می‌کنند. خانواده‌های هسته‌ای ساکن در محوطه هر یک دارای خانه‌ای مستقل و قطعه زمینی جداگانه‌اند که پدر پس از ازدواج به فرزندان واگذار کرده است.

۲ - ۲ - خانواده هسته‌ای ساده: در این نوع خانواده، زن و مرد پس از ازدواج از خانواده اصلی جدا می‌شوند. خانواده‌های هسته‌ای ساده دارای زمین یا باغ چای مستقل هستند و زن و مرد به‌طور مشترک امور خانواده را اداره می‌کنند.

۳ - خانواده هسته‌ای مهاجر: این نوع از خانواده، مهاجرین بی‌یلاقات کرد و عرب را شامل می‌شود که در جستجوی شغل به منطقه آمده و به مرور در آن ساکن شده‌اند. زنان این خانواده‌ها، عموماً به کارگری در شالیزارها و باغات چای که متعلق به بومیان منطقه است، می‌پردازند.

در قاسم‌آباد، آموزش نقشهای خانوادگی براساس فرهنگ جنسی جامعه از نخستین سالهای کودکی به دختران داده می‌شود. هنگامی که مادر قاسم‌آبادی به شالیزار یا باغ چای می‌رود، خانه و فرزندان خود را به دختر خانواده می‌سپارد و در صورت نداشتن فرزند دختر، مادر با چادر پشمی فرزند را به پشت خود بسته و با او فعالیتهای تولیدی خود را انجام می‌دهد.

در جریان رشد کودکان، تغذیه، بهداشت، تهیه پوشاک و آشنایی کودکان با زندگی اجتماعی و جامعه‌پذیری آنان برعهده مادران است. زنان قاسم‌آباد در هر مکان که باشند اعم از خانه، شالیزار یا باغ چای به هر ترتیب فرآیند انتقالی فرهنگی را انجام می‌دهند. به مرور زمان، با رشد کودک مادر امور مربوط به نظام خانواده و تکنیک کار را به کودک می‌آموزد. او کودک را از ۸ یا ۹ سالگی با خود به شالیزار و باغ چای می‌برد. و نظام کار تولیدی خانواده را با به کارگرفتن کودک پایه‌گذاری می‌کند. این امر در ارتباط با فرزندان دختر و انتقال خود و فرهنگ زنانه مصداق عینی‌تری می‌یابد. در حقیقت رابطه احساسی بین مادر و دختر وسیله‌ای برای انتقال تخصصی تکنیکها و همچنین الگوها و ارزشهای زنانه نیز، هست. در این رابطه می‌توان به تکنیک کار در نظام کشاورزی و صنایع دستی و همچنین امور خانه‌داری، آداب و رسوم، برخورد اجتماعی، نوع تغذیه، پوشاک و آموزش نقش همسری اشاره کرد. حتی پس از ازدواج نیز تماسهای مادر و دختر تداوم می‌یابد. به‌طورکلی، در قاسم‌آباد، اساس فعالیتهای زنان و مردان به ماهیت تکمیلی کارکردهای دیگر اعضای خانواده بستگی دارد. اما با وجود این، می‌توان برخی از فعالیتهای را جزو کارکردهای ویژه زنان قاسم‌آبادی، برای حفظ ساختار خانواده ذکر کرد که شامل موارد زیر است: وظایف مربوط به نظافت خانه، دوشیدن شیر گاوها در صبح و شب، تدارک غذا برای اعضای خانواده و در صورت ضرورت برای کارگران زمینهای کشاورزی و باغات چای، نظارت و مراقبت بهداشتی بر اعضای خانواده با جمع‌آوری مواد غذایی و ذخیره آنها برای فصلهای بعد، بافت پارچه و چادرشب برای پوشاک اعضای خانواده و در صورت مزاد براحتیاج برای فروش، حفظ و تداوم ارتباطات خویشاوندی بین خانواده و سایر بستگان، نظارت و اداره امور عاطفی خانواده، آموزش و نظارت بر تربیت فرزندان، کمک به همسر در تصمیم‌گیریهای مربوط به خانواده و مشارکت با او در تخصیص درآمد اقتصادی خانواده بر نیازهای ضروری، انجام کارهای زراعی در صورت نیاز در شالیزارها و باغات چای.

### نقش زنان در کشاورزی منطقه:

کشاورزی رکن اصلی نظام معیشتی جامعه قاسم‌آباد است. محصولات عمده کشاورزی این منطقه عبارتند از: برنج، چای، مرکبات، انواع سبزی و صیفی‌انواع میوه، سیب‌زمینی، پیاز و غیره. زنان قاسم‌آباد فعالیتهای متعددی در مراحل متفاوت تولید محصولات انجام می‌دهند به طوری که هیچ فرآورده‌ای را نمی‌توان یافت که زنان در مراحل کاشت، داشت و برداشت آن مشارکت نداشته باشند. اگر چه در این منطقه تقسیم‌کار جنسی به‌طور مطلق وجود ندارد ولی تفکیک نسبی در انجام فعالیتهای دو جنس به ویژه در نظام کشاورزی مشاهده می‌شود. بر این اساس، در فعالیتهای کشاورزی این منطقه سه حوزه کلی وجود دارد: ۱ - فعالیتهای مردان، ۲ - فعالیتهای زنان، ۳ - فعالیتهای مشترک دو جنس.

در تولید محصولات مختلف کشاورزی، امور مربوط به شخم‌زمین، زیر و رو کردن خاک، آبیاری و مرزبندی زمینها، هرس چای، انتقال محصولات کشاورزی از زمین و باغ به منزل یا بازار، دادن کودشیمیایی و حیوانی به زمین و باغ از فعالیتهای ویژه مردان است. فعالیتهای زنان قاسم‌آباد در کشاورزی شامل نشاء و وجین برنج، وجین باغ چای و چیدن برگ چای، تولید سبزی و صیفی در باغچه‌های خانگی، انجام برخی از امور مربوط به کاشت، داشت و برداشت برخی از فرآورده‌های زراعی، و دادن کود گیاهی به باغات و مزارع است. فعالیتهای مشترک دو جنس شامل بذرپاشی، چیدن میوه و مرکبات، زدن پودر شیمیایی به پرتقالها و پیچیدن آنها در کاغذ و دروی برنج است. برای تشریح کارکردهای زنان در نظام کشاورزی به‌طور اجمالی به توصیف برخی از آنها می‌پردازیم:

برنج به‌عنوان یکی از مهمترین محصولات کشاورزی منطقه و زیربنای تغذیه‌ای مردم، بخش مهمی از فعالیتهای زنان منطقه را به‌خود اختصاص داده است. برای کاشت برنج، زنان و مردان با کمک یکدیگر کار می‌کند. پس از کاشت، باز با کمک یکدیگر چپرهایی ساخته، بر روی آنها پلاستیک می‌کشند و جهت محافظت آنها را روی بذرهای جوانه زده قرار می‌دهند. پس از اینکه شلتوکها کمی رشد کردند آنگاه باید آنها را به بیجار نشا کرد. برای نشا مردان شلتوکها را با دقت از زمین توم - بیجار یا خزانه در آورده



و در ظرفی قرار می‌دهند. پس از آن زنان در زمین بیجار که قبلاً آماده شده، ساقه‌ها را با نهایت دقت و ظرافت در یک ردیف کاملاً صاف و مرتب می‌کارند. در ماه خرداد و جین کاری آغاز می‌شود. و جین نیز مانند نشا از فعالیتهای ویژه زنان است. پس از و جین کاری دوباره زدن باید صورت پذیرد. در دوباره زدن و جین مجدد انجام می‌گیرد و معمولاً در این کار دو زن و یک مرد با یکدیگر همکاری می‌کنند. مرد مراقبت و نظارت بر مرزها دارد و زنان به دوباره زدن یا و جین مجدد می‌پردازند. برنج‌بینی یا جمع‌آوری محصول برنج از فعالیتهای مشترک دو جنس است. برای این کار از داسهای کوچکی که تیغه خمیده‌ای دارد، استفاده می‌کنند. پس از آن، برنجهای درو شده را در شالیزار با کمک یکدیگر جمع می‌کنند و برای انتقال به منزل یا بازار آماده می‌سازند.

در فعالیتهای زنانه تولید برنج (و جین و نشاء) زنان قاسم‌آباد به‌طور گروهی به شالیزارهای دوستان و آشنایان رفته و به آنها کمک می‌کنند. قاسم‌آبادیها به همکاری گروهی زنان برای نشای و و جین برنج در اصطلاح محلی تکیل (takil) می‌گویند علاوه بر بازده اقتصادی که برای صاحب زمین دارد، نمایانگر همبستگی اجتماعی و مشارکت جمعی زنان قاسم‌آباد نیز، هست. علاوه بر این اخبار و اطلاعات مربوط به‌وضع خانواده، وضعیت زمین، محصولات همچنین اطلاعات مربوط به تکنیک کار نیز در همین مکان مبادله می‌شود. معمولاً زن صاحب شالیزار برای کسانی که در زمین او کار می‌کنند، صبحانه، نهار و عصرانه تدارک می‌بیند. (تصویر شماره ۳)

علاوه بر این مشارکت، زنان در فعالیتهای زنانه تولید برنج برحسب پایگاه اجتماعی و سطح درآمد خانواده تفاوت می‌یابد. در خانواده‌هایی که از توان مالی مناسبی برخوردار نیستند، شرکت در تکیل نوعی منبع درآمد نیز برای خانواده تلقی می‌شود. اما در بین خانواده‌های متوسط و مرفه این فعالیت نوعی تعاون و همکاری جهت انجام فعالیتی اجتماعی و حمایت از گروه قومی و خویشاوندی است. تولید چای نیز یکی از فعالیتهای مهم مردم قاسم‌آباد است. در تولید چای نیز مانند برنج از زمین دیگری به‌عنوان خزانه استفاده می‌شود. کلیه فعالیتهای قبل از جوانه زدن بوته چای، از جمله فعالیتهای

مردان است. در هنگام وجین چای زنان با مردان به‌طور مشترک عمل می‌کنند. پس از اینکه نخستین برگهای چای شروع به رویدن کرد، آنگاه آنها را در باغ چای می‌کارند. برای این کار زنان و مردان با کمک یکدیگر سوراخهایی در فاصله یک متر از زمین حفر می‌کنند و نهال چای را در آن قرار می‌دهند. به باغ چای سه نوع کود داده می‌شود: کود گیاهی، کود حیوانی و کود شیمیایی. کود حیوانی و شیمیایی توسط مردان داده می‌شود، ولی کود گیاهی از فعالیتهای زنان است: برای این کار، زنان ابتدا تخم برخی از نباتات مانند شبدر، ماش و عدس را در بین بوته‌های چای می‌کارند، وقتی که این تخمها سبز شد آنها را از زمین جدا کرده و ریشه آنها را مجدداً زیر بوته چای قرار می‌دهند. مرحله نهایی تولید چای، چیدن برگ آن است. در قاسم‌آباد اصولاً چیدن برگ چای فعالیتی زنانه محسوب می‌شود از آغاز فصل بهار تا اواخر پاییز زنان چندین بار برگ چای را می‌چینند. دفعات چیدن به این ترتیب است: در بهار ۴ تا ۶ مرتبه، در تابستان ۲ یا ۳ مرتبه و در پاییز ۳ تا ۴ مرتبه در چیدن چای نیز مانند برنج زنان به‌طور جمعی فعالیت می‌کنند. همچنین کارگران زنی وجود دارند که از این فعالیت به‌عنوان منبعی برای درآمد خانواده استفاده می‌کنند.

چیدن مرکبات از فعالیتهای مشترک دو جنس است. زنان و مردان قاسم‌آباد پس از چیدن مرکبات، آنها را در ظرفی که مملو از آب و پودر شیمیایی است، قرار داده سپس از ظرف خارج کرده، خشک می‌کنند و در کاغذ می‌پیچند.

علاوه بر این، هر زن قاسم‌آبادی در خانه خود، باغچه‌پی دارد که در آن انواع اقسام سبزی و صیفی مورد نیاز خانواده، را به عمل می‌آورد. او در ابتدا زمین را بولو (bolu) می‌زند، سپس کود می‌دهد، بذر می‌پاشد و وجین می‌کند. آنگاه محصول به‌دست آمده را جهت تأمین غذای خانواده یا برای فروش در بازار آماده می‌سازد.

### نقش زنان در دامداری:

اشاره شد، که مردم قاسم‌آباد به‌دو گروه تقسیم می‌شوند: گیلکها و گالشها. گیلکها کشاورزند و در روستا

سکونت دارند و گالشها از طریق دامداری و دامپروری تأمین معاش می‌کنند و به کوچ می‌پردازند. نوع دام مردم این منطقه گاو، گوساله، گوسفند و بز است. مشارکت زنان در امور دامداری برحسب تعلق آنان به خانواده گیلک یا گالش تفاوت می‌یابد. زیرا در بین گالشها، پرورش دام و تهیه فرآورده‌های لبنی علاوه بر رفع نیاز خانواده جهت فروش نیز عرضه می‌شود و نوعی پشتوانه اقتصادی برای خانواده محسوب می‌شود. در حالی که گیلکها دامداری را به‌منظور خود مصرفی انجام می‌دهند. در قاسم‌آباد طویله، معمولاً فضایی مردانه است و زنان در نبودن مردان، امور مربوط به آن را انجام می‌دهند. به‌طورکلی نظافت طویله، تغذیه دامها و مراقبت از آنها از جمله فعالیتهای مردان است ولی در صورت نبودن مردان، زنان نیز این قبیل کارها را انجام می‌دهند. مهمترین فعالیت زنان در دامداری و دامپروری تهیه فرآورده‌های لبنی است. فرآورده‌های لبنی در این منطقه شامل شیر، ماست پنیر، کره، لور و کشک است. البته لازم به ذکر است که فرآورده‌هایی نظیر کشک روغن، کره و لور به وسیله زنان گالش در بیلاقات تهیه شده و جهت فروش به‌بازار عرضه می‌شود. ولی شیر، ماست و پنیر به‌وسیله کلیه زنان منطقه در صورت داشتن دام تهیه می‌شود.

### نقش زنان در تولید ابریشم و صنایع دستی:

تولید ابریشم و صنایع دستی نقش مهمی در تأمین معاش خانواده‌های قاسم‌آبادی ایفا می‌کند. در واقع این منطقه به‌دلیل داشتن برخی از ویژگیهای زیست‌محیطی، محیط مناسبی جهت پرورش کرم ابریشم است. از طرف دیگر، وجود دامداری و دامپروری در منطقه استفاده از پشم را در برخی از فرآورده‌های دستی این منطقه فراهم ساخته است. صنایع دستی قاسم‌آباد شامل نمدمالی و چادرشب‌بافی است. نمدبافی فعالیتی مردانه است و زنان مشارکت بسیار اندکی، فقط در شستن پشمها و تهیه آنها برای نمدمالی دارند. ولی چادرشب‌بافی یکی از بهترین تولیدات صنایع دستی زنان قاسم‌آباد است. در تولید چادرشب از ابریشم، پشم، پنبه و کاموا استفاده می‌شود.

در تولید ابریشم، همکاری بسیار نزدیک زنان و مردان را به وضوح می توان مشاهده نمود. مردان قاسم آباد، از اوایل اردیبهشت ماه، قوطیهای محتوی تخم نوغان (کرم ابریشم) را از اداره نوغان و پرورش کرم ابریشم استانهای نزدیک خریداری می کنند. سپس جعبه های مقوایی یا چوبی برای نگهداری آنها تهیه می کنند. زنان نوغانها را در جعبه قرار داده و روی آنها پارچه های نازکی می کشند. سپس برگهای درخت توت را روی پارچه قرار می دهند. در مراحل اولیه پرورش کرمها، برگهای توت باید ریز باشد، زیرا ممکن است کرمها را خفه کند. (در اکثر خانه های قاسم آباد برای تغذیه کرمها، درخت توت وجود دارد). برای این کار، زنان برگها را ریز کرده و بر روی پارچه می گذارند. آنگاه کرمها به آرامی از زیر پارچه ها خزیده و از برگها تغذیه می کنند.

در مراحل رشد کرم ابریشم، زنان و مردان به طور مشترک به مراقبت و نظارت بر تلمبار و دور کردن حیواناتی که قصد آسیب به کرمها را دارند، می پردازند. پس از اینکه کرمها پيله خود را ساختند، آنگاه جمع آوری پيله ها آغاز می شود. برای این کار زن و شوهر با کمک یکدیگر و با همکاری دوستان و افراد فامیل اقدام به جمع آوری پيله ها می کنند.

در گذشته، زنان از پيله ها ابریشم تهیه کرده و آنها را رنگ می کردند و برای بافت چادرشب و پارچه های ابریشمی از آنها استفاده می کردند. اما امروزه این سنت منسوخ شده است. پيله های جمع آوری شده جهت فروش به بازار عرضه می شود.

دستگاه بافت چادرشب و سایر منسوجات ابریشمی، پشمی و پنبه ای پاچال است. پاچال دارای بخشهای ثابت و متحرک است. بخشهای ثابت به وسیله نجارهای محلی ساخته می شود ولی قسمتهای متحرک توسط زنان روی دستگاه قرار می گیرد. زنان این منطقه براساس فصلهای متفاوت، مقداری از وقت روزانه خود را به کار با پاچال اختصاص می دهند. به طوری که در فصل بهار، به دلیل کار زیاد در شالیزار و باغ چای ۱ الی ۲ ساعت و در فصلهای پاییز یا زمستان روزانه ۴ الی ۶ ساعت از وقت زنان صرف کار با پاچال می شود.

فروش چادرشب به وسیله زنان در شبکه‌ای از مبادلات غیررسمی صورت می‌گیرد. زنان هر روستا دارای چند مدیرفروش هستند که چادرشب‌ها را از آنان می‌خرند و در بازارهای محلی پنجشنبه بازار کلاچای و دوشنبه بازار رحیم‌آباد به فروش می‌رسانند.

### زنان و ساختار مسکن:

وضعیت اکولوژیکی و جغرافیایی، شیوه معیشت، الگوهای فرهنگی و اعتقادات مذهبی از عوامل تعیین کننده تنوع مورفولوژیکی و زیرساختی در شکل‌گیری مسکن است. در واقع، گروه‌های انسانی در ساخت مسکن خود تابع جبرهای اقلیمی، اقتصادی فرهنگی و معیشتی هستند و بر این اساس خانه خود را می‌سازند. همچنین شرایط و امکانات زیست‌محیطی فراهم‌کننده عناصر و مواد اولیه برای ساخت مسکن و تعیین کننده ضرورت‌هایی در ترکیب و نظم آنها است.

قاسم‌آباد به‌عنوان منطقه‌ای که در بین کوه و دریا قرار گرفته و از شرایط ویژه زیست‌محیطی برخوردار است، از بافت سکونت‌گاهی خاصی تبعیت می‌کند. در قاسم‌آباد خانه کوچکترین واحد زیستی و اقامتی است. هر خانه در محوطه‌ای محصور شده است. ساکنان خانه‌های محوطه را خویشاوندانی تشکیل داده‌اند که دارای ارتباطات بسیار قوی عاطفی، اقتصادی و اجتماعی هستند و بویژه همکاری‌های متقابلی در امور معیشتی دارند. ملزومات محوطه شامل خانه، انبار، تلمبار، طویله و باغچه‌های خانگی است. گاه در یک محوطه از برخی از مکانها نظیر کندوج، تلمبار و طویله به‌طور مشترک استفاده می‌شود. زنان قاسم‌آباد نقش بسیار مهمی در نظم و ترتیب اجزای مسکن و تخصیص بخشهای مختلف آن به کارکردهای ویژه ایفا می‌کنند. مردان به‌جز انبار که مکان نگهداری ابزار و آلات و محصولات کشاورزی و تلمبار که محل پرورش کرم ابریشم و طویله که محل نگهداری دامهاست، تماس چندانی با مسکن ندارند. به‌طور کلی، ایوان فضایی زنانه است. با آغاز فصل بهار، زنان وسایل پخت و پز (گاز یا چراغ خوراکپزی)، همچنین یخچال و ظرفهای مورد استفاده روزانه و دستگاه پاچال را از اطانها به‌آنجا منتقل

می‌کنند. نتیجه اینکه، مهمترین نقش زنان قاسم‌آباد در ساختار مسکن، نظم و ترتیب اجزای مسکن، تخصیص فضاهای مسکونی و کاربردهای ویژه و نظافت و تزئین آنها است.



شوریه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### پانوش

۱ - این مطالعه به شکل پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، رشته انسان‌شناسی در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران ارائه شده است.

۲ - لازم است در اینجا از مردم روستاهای قاسم‌آباد، به ورزش‌های خانه‌های بهداشت روستایی، مرکز بهداشتی - درمانی بندین قاسم‌آباد و دهداری ارشبیان سیاهکلرود که امکان جمع‌آوری اطلاعات در منطقه را فراهم ساختند، تشکر و قدردانی شود.